

## حالمان را پاییز هم خوب نمی‌کند

محدث تک فلاح / دبیر دوچرخه

پاییز که از راه می‌رسد کم نمی‌آورد. شعرهایی که باران و برگ نارنجی و درختان خسته و هوای دونفره و... به یاد می‌آورند. دیگر فقط میوه نیست که از درختان جدا می‌شود. برگ‌ها هم همینند؛ همین درختی که روزی از تازگی و سرسبزی پوستش بهار را از مغان می‌داد، این روزها خزان را یادآوری می‌کند؛ خزان طبیعت.

اما اگر از طراوت و نشاط رو به زوال درختان و طبیعت هم حرف نزنیم، حال این روزهای انسانیت هم خیلی خوب نیست؛ انسانیتی که در هر حالی برای زنده ماندن خود تلاش می‌کند اما بعضی از آدم‌ها به راحتی پایمالش می‌کنند؛ آدم‌هایی که خیلی هم نیستند ولی چون دست به کارهای دردناک و عمیقی می‌زنند که جان هر انسانی را می‌آزرد، صدای اشتباهاتشان به گوش همه جهانیان رسیده است. این روزها حال غزه خوب نیست. حال فلسطین... حال کودکان...

از سویی با روبه‌پایان رفتن مهر و آغاز آبان بعضی‌های مان هم در هیاهوی امتحانات میان‌ترم می‌هستیم و حسابی مشغول مرور دروس. برای این دسته از رفقای دوچرخه و حتی باقی دوستان که دنبال در کردن خستگی‌شان هستند در این شماره یک پیشنهاد همچنان انگیز داریم؛ تمرین مهارت باغبانی با دانه‌های فصل.

از المیاد ریاضی و نجوم هم برایتان نگوییم که در گفت‌وگو با سه نفر از اعضای تیمش حرف‌های دلشان را روی کاغذ آوردیم که با دنیای این جماعت المیادی هم کمی بیش‌تر آشنا شوید؛ دنیایی که زیبایی‌هایش را می‌بینیم و سختی‌هایش را... همان اصطلاح معروف «مقایسه بیرون زندگی دیگران با درون زندگی خودمان»؛ همان‌هایی که پدر و مادرها در اخبار که عکسشان را می‌بینند بلند بار کاله می‌گویند و احتمالاً برای الگو گرفتن به شما معرفی‌شان می‌کنند.

اما در این شماره یک بخش جالب توجه دیگر هم داریم؛ بخشی که به ادبیات تعدادی از نوجوانان می‌پردازد و از مهم‌ترین فرهنگ لغات اختصاصی بین این نسل پر حاشیه و دوست‌داشتنی رونمایی می‌کند.

دنیای نوجوانی پر از فرصت‌هایی است که خودمان هم نمی‌دانیم کی و کجا باید از آن‌ها استفاده کنیم. به همین دلیل ما دوچرخه‌ای‌ها خیلی خوشحالیم که با انتقال برخی از تجربیات و حتی ارائه پیشنهادها سرگرم‌کننده، به هدایت رفقای درجه یک خودمان کمک می‌کنیم که در انتخاب مسیر برای شکل دادن به این زندگی کمتر اشتباه کنند و از گذران زندگی خود راضی باشند. هر چند مسائل و مشکلات این دوران بسیار هستند اما ما همیشه سعی می‌کنیم که برای بهتر شدن روزگارمان بیکار نمانیم چون ما نوجوانیم.

## نام‌های محبوب تهرانی‌ها

سازمان ثبت احوال استان تهران اعلام کرده نام‌های دخترانه نورا، ماهلین، فاطمه، هانا و رستا و نام‌های پسرانه امیرعلی، آزاد، شاهان، علی و آیهان، اسامی‌ای هستند که در یک سال اخیر در بین متولدین تهرانی بیش‌ترین طرفدار را داشته است. نورا و امیرعلی محبوب‌ترین اسامی نوزادان تهرانی در شش ماهه سال ۱۴۰۲ بوده است و چندین هزار خانواده‌ی تهرانی این نام‌ها را برای فرزندانشان انتخاب کرده‌اند.



## تحصن برای دفاع از کودکان غزه

حدود ۲۰ نوجوان ایرانی از ۲۶ مهر در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران تحصن کردند تا سکوت مجامع بین‌المللی را در مقابل جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین بشکنند و آن‌ها را به حمایت از مردم مظلوم فلسطین و محاکمه‌ی سران رژیم صهیونیستی دعوت کنند. آن‌ها می‌گویند حمایت و هواداریشان از مردم فلسطین به این تحصن ختم نمی‌شود و در مدرسه هم با ایجاد پویش‌های مختلف، در کنار آن‌ها خواهند بود.

## داش باسی طرد نمی‌شوی

رابعه تیموری / روزنامه‌نگار

بچه‌ها می‌دانند وقتی رفیقشان به آن‌ها «داش» می‌گوید، دیگر تر رفاقت هستند. داش، عباس آقا، گولاخ، آقای شاخ و بسیاری از کلماتی که بزرگ‌ترها هیچ‌وقت به گوششان نخورده از تکه‌کلام‌های نوجوانان امروزی است. شاید بزرگ‌ترها استفاده از این کلمات را نامناسب بدانند، ولی در دنیای نوجوانان، استفاده از این کلمات یکی از راه‌هایی است که باعث می‌شود هم‌سن و سالانشان به آن‌ها برچسب بچه‌مبخت بودن نزنند و طردشان نکنند. عسل، مرتضی، افشین و درنا نوجوانانی هستند که در باره‌ی راز و رمز مکالمات هم‌سالان خود صحبت کرده‌اند:

### ببخشید عباس آقا

مرتضی برادرزاده‌ی ندارد و عمو نشده، ولی افشین و بقیه‌ی دوستانش او را عمو مرتضی صدا می‌زنند. عمو مرتضی عادت دارد هر جا رفتاری بگیر و گرفتاری دارند، جلوتر از بقیه، آستین بالا بزند و مشکل را حل کند. شاید به همین خاطر است که عمو صدایش می‌زنند. البته افشین هم آن قدر کم اسم خودش را از زبان دوستانش می‌شنود که گاهی یادش می‌رود اسمش افشین است! افشین عادت دارد در هر کاری دخالت کند و تا ته و توی قضیه را درنیورد، خیالش راحت نمی‌شود. بچه‌ها هم وقتی می‌بینند او باز پاپیج آن‌ها می‌شود و به راحتی دست از سرشان بر نمی‌دارد، با یک کلام خودشان را خلاص می‌کنند: «ببخشید... عباس آقا...»

### رمزها و نشانه‌ها

سر در آوردن از اختلاط‌های افشین و دوستانش ساده نیست و به عوض کردن اسامی آن‌ها هم ختم نمی‌شود. مثلاً وقتی آن‌ها به کسی می‌گویند «فلانی پیش تو بی‌ج دی داره»، یعنی حسابی ضایعش کرده‌اند و به بی‌سوادی او خرده گرفته‌اند. یا وقتی با عصبانیت به کسی می‌گویند «آخر شیلنگ...» باید آن دوستشان نگاه‌ی به قد و بالای رشید خود بیندازد و دیگر حرفی نزند که با این سن و قد و قواره تناسبی نداشته باشد. به قول افشین، اگر بزرگ‌ترها مکالمات آن‌ها را بشنوند، تصور می‌کنند این حرف‌ها را از سر دلخوری و به‌عنوان بد و بیراهه به هم می‌گویند؛ ولی این‌طور نیست و اتفاقاً چون خیلی با هم صمیمی هستند با این کلمات همدیگر را می‌نوازند! عمو مرتضی می‌گوید: «اگر کسی خشک و رسمی صحبت کند، نجسب و خسته‌کننده می‌شود. بچه‌مبخت‌ها خشک و لفظ قلم حرف می‌زنند.» افشین می‌گوید: «هیچ‌کس با بچه‌مبخت‌ها رفاقت نمی‌کند و آن‌ها تنها می‌مانند!»

### دخترها هم رمز و راز دارند

فقط دوستان افشین و عمو مرتضی، دایره‌المعارف مخصوص خود را ندارند و عسل و درنا هم شبیه آن‌ها صحبت می‌کنند. درنا می‌گوید: «بچه‌مبخت‌ها شاید از مدل حرف زدن ما ناراحت شوند و به آن‌ها بر بخورد، ولی ما این‌طور نیستیم. مثلاً وقتی من به درنا می‌گویم «ببند منقارو»، او می‌داند منظورم این است که «لطفاً صحبت نکن!» دوستان درنا و عسل هم عادت دارند برای یکدیگر اسم بگذارند. درنا چون در حرف زدن، مهلت به هیچ‌کس نمی‌دهد، جیرجیرک صدایش می‌زند و عسل چون مرتب در حال رژیم گرفتن است و هر روز بیش‌تر آب می‌رود، اسم «باتری قلمی» را رویش گذاشته‌اند. درنا می‌گوید: «به‌نظر من اصلاً بد نیست که کسی بخواهد مطابق سن و سالش صحبت و رفتار کند، اما نباید در این کار زیاده‌روی کنیم و شوخی‌های ما به بی‌احترامی و توهین به یکدیگر کشیده نشود.»

### مطیع بودن حد و مرز دارد

فاطمه زاهدی، روان‌شناس کودکان و نوجوانان است. به‌نظر او، نوجوانانی که مدام به دنبال تأیید گرفتن از دیگران و علی‌الخصوص هم‌سالانشان هستند، سعی می‌کنند با آن‌ها هم‌زبان و هم‌رنگ شوند. او می‌گوید: «در سن بلوغ و نوجوانی، این رفتارها تا حدودی طبیعی است؛ ولی اگر نوجوانان برای هم‌نوازی و هم‌رنگ شدن با هم‌سن‌وسالان خود حد و مرزی قائل نشوند، ممکن است آسیب ببینند و کاملاً مطیع و دنباله‌روی دوستانشان شوند.» او استفاده از اصطلاحات کلامی خاص نوجوانان را هم، نوعی تبعیت و هم‌نوازی می‌داند و معتقد است شبکه‌های اجتماعی مختلف و مخصوصاً شبکه‌ی اجتماعی اینستاگرام بعضی از واژه‌ها و اصطلاحات را در میان نوجوانان رایج کرده است. زاهدی می‌گوید: «بسیاری از اصطلاحاتی که به‌وسیله‌ی چهره‌های مشهور اینستاگرامی به کار می‌روند، خیلی زود به محاوره و مکالمه نوجوانان راه پیدا می‌کنند.»